

شاه کبیر [کوروش؟] ۳۰۰ نفر و به استناد دیودور Diodorus (۳۶۰) نفر، هم شاهدی بربروش زندگی غیرمعمول پادشاه و هم قلمرو نفوذ زنان در دربار ایران بود که دلیل زنیاری و انحطاط شاه بشمار می‌رفت.

آیا در جهان واقع نیز این کاری بود که زنان ایرانی انجام می‌دادند یا دقیقاً نقشی بود که نویسندگان یونانی به ایشان نسبت می‌دادند؟ بدون شک این وضع ناشی از این بود که نویسندگان یونانی دانش کمی در مورد دربار ایران بطور عموم و فعالیت‌های زنان درباری در زندگی دربار بطور خاص داشتند. بنابراین قضاوتشان نسبت به رفتار زنان ایران تا حدی به روش نگاه یونانیان به زنان در جامعه خویش بستگی داشت. معیار اخلاقی مطلق که زیر ساخت جامعه یونانی بود بطور گریزناپذیری موجب می‌شد یونانیان نتوانند از جامعه و بخصوص طبقات درباری و اشرافی که در ایران وجود داشت درک درستی داشته و برای ما به یادگار گذارند.

بدون شک جذبه‌ای نسبت به زنان ایرانی هم در دوران‌های باستان وجود داشته و در قرن چهارم [ق.م.] چنان رو به فزونی نهاد که در آثار نویسندگان ادبیات فلسفی و تاریخی هم ذکر زنان درباری ایران رفته‌است. با این وجود، همچون تمامی نوشته‌های تاریخی اطلاعاتی که محفوظ مانده است یک مجموعه است. در این مورد داستان‌ها به این دلیل انتخاب شدند که بخصوص مهیج بوده و مناسب برای متن روایی خاصی بودند و تصدیق‌کننده نظری که یونانیان آن عصر درباره زندگی دربار ایران پیش خود داشتند. هنگامی که اعمال، رفتارها، آداب و رسوم در فشار فرهنگ‌های بیگانه قرار است ارزش‌گذاری شوند، اغلب فرد بامعیارهای فرهنگی خویش مقایسه و در برابرشان موضعگیری می‌کند. بر این اساس یونانیان بسیار نتوان تر از آن بودند که به پدید آوردن نوشته‌های خالی‌الذهن و بدون پیشداوری نسبت به زندگی دربار ایران پردازند. اظهاراتشان نسبت به زنان درباری ایران

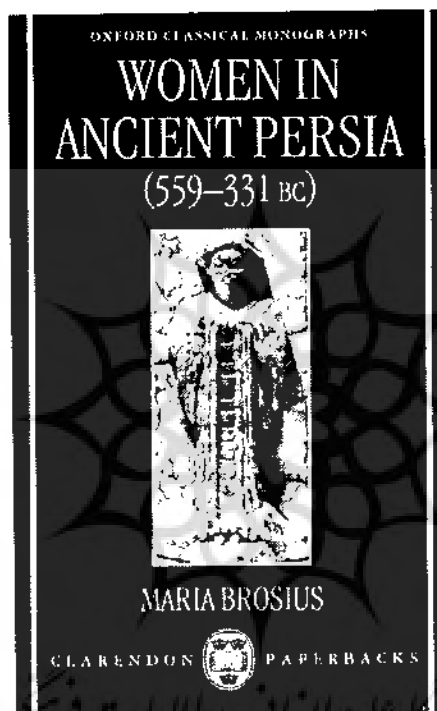
**هدف این کتاب بررسی جزئی و قابل‌درک وضع زنان در ایران دوره هخامنشی است که برگرفته از ترکیب مشترک مدارک یونان و ایران است**

**این کتاب به بررسی تلقی یونان از زنان دربار هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۱ ق.م) می‌پردازد. نیز تلاش دارد به موقعیت زنان درباری و غیردرباری از دیدگاه منابع خاور نزدیک با بررسی مدارک سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید و متون بابلی جدید پردازد**

## Women in Ancient Persia

# زنان در ایران باستان

(۵۵۹-۳۳۱ ق.م)



• سیدعبدالحسین رئیس‌السادات

نویسنده: ماریا بروسیوس - استاد تاریخ باستان در کالج کونین (Queen college) آکسفورد  
چاپ اول ۱۹۹۶ م  
چاپ دوم ۱۹۹۸ م

به بنیانی اساسی بر نمی‌خوریم. داستانهایی که به یاد می‌آیند و بالاخره راه خویش را در نوشته‌ها باز می‌کردند آن افسانه‌هایی بودند که مخصوصاً مهیج بودند از جمله افسانه‌هایی که به تشریح رفتار عجیب و غریب (زنده) زنان درباری می‌پرداختند. تا حدودی این هیجان‌انگیزی از انگیزه سیاسی برمی‌خاست که نتیجه روابط خصمانه بین یونان و ایران بود. نیز مقایسه بین رفتار زنان درباری ایران و یونان عامل مهمی بشمار می‌رفت، عامل سومی هم در انتخاب افسانه‌ها دخیل بود. داستان‌های پیرامون زنان درباری ایران اغلب چنان سرهم می‌شدند که مناسب الگویی تاریخ‌نگارانه و روایی باشند و به زنان وظایف مشخصی در متن داستان واگذار می‌گردید. بسیار تکانه‌نده است که در اکثر داستان‌ها این زنان ظالم، خشن و انتقامجو ظاهر می‌شوند. ایشان سرچشمه مکرها بوده و مسبب طغیان‌ها و شورش‌ها هستند. زنان درباری از قبیل آتوسا (Atossa)، آمستریس (Amestris) و پریساتیس (Parysatis) را تاریخ‌نگاران یونانی با سیمای ملکه‌های قدرتمندی تشریح کرده‌اند که نفوذ قابل توجهی بر پادشاهان داشته‌اند. بر اساس گفته هرکلید اهیل کیم (Heracleides of Kyme) تعداد سراسر است معشوقه‌های

این کتاب در ۲۵۸ صفحه و در شش فصل همراه با فهرست اعلام، صورت ائتلاف‌های درباری از طریق ازدواج، کتابشناسی ضمیمه منابع باستانی و ضمیمه عمومی بار اول در سال ۱۹۹۶ و دومین بار در ۱۹۹۸ از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است. قبل از فصل‌های ششگانه، صورت نمودارها، خلاصه‌ها و نمادها، اوزان و مقیاس‌ها و تذکری به خواننده در بیست صفحه آورده شده است. در مقدمه کتاب می‌خوانیم:

این کتاب به بررسی تلقی یونان از زنان دربار هخامنشی (۵۵۹ تا ۳۳۱ ق.م) می‌پردازد. نیز تلاش دارد به موقعیت زنان درباری و غیردرباری از دیدگاه منابع خاور نزدیک با بررسی مدارک سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید و متون بابلی جدید پردازد.

درک ما از زنان دربار هخامنشی بطور عمده از اطلاعاتی بدست می‌آید که هرودوت و تاریخ‌نویسان بعدی یونان ارائه نموده‌اند و بخش عمده‌ای محدود به نظرات اجمالی پراکنده عملی می‌شود که به زنان شاخصی نسبت داده می‌شود که متعلق به خاندان سلطنتی ایران بوده‌اند. به دلیل مدارک کم، اینگونه نظرات منجر به تعمیم به همه زنان درباری می‌گردد که از سطح این نظرات که عبور کنیم

منعکس کننده آنچه بود که یونانیان فکر می‌کردند رفتار زنان دربار به آن شبیه بود. آنچه مجاز بود یا برای زنان در جامعه ایران رفتار قابل قبول اجتماعی بشمار می‌رفت، از نظر یونانیان نه در چارچوب فرهنگ ایران، بلکه با معیارهای رفتار قابل پذیرش یونان مورد قضاوت قرار می‌گرفت. تاریخ‌نگاران باستان که تنها متکی بر منابع یونانی‌اند با مانع دیگری در تلاش برای درک جامعه ایران برخورد می‌کنند. نه تنها شناخت پیشداوری فرهنگی که راهش را در منابع نگاشته نشده باز کرده‌است حیاتی است بلکه لازم است به این باور برسیم که هرگاه داستانی برای روایت گزینش شده است، تابع اصول نگارش روایتی گسترده‌تر می‌شود. در این فضا زنان تمایل پیدا می‌کنند شناسه تاریخی فردی خویش را از دست داده و چهره‌های ادبی شوند که به خاطر پیشرفت داستان صفاتی به خود می‌گیرند که منحصرأ قابل اسناد دادن به زن ایرانی نبوده بلکه نماد اختصاصی صفات زن بطور عموم می‌شود؛ بیانات بی‌حد و حصر احساس یا رفتارهای بی‌حد و حصر هم به زنان ایرانی و هم یونانی نسبت داده می‌شود. به این ترتیب در بررسی مدارک یونان پیرامون زن ایرانی سه عامل بایستی همیشه مد نظر قرار گیرد: ۱- نوع داستانی که برگزیده شده‌اند. ۲- عقیده یونان از آنچه که رفتار قابل قبول برای زنان بود و نقش ایشان در جامعه و ۳- نقش ادبی تشریح زنان دربار ایران در تاریخ‌نگاری یونان.

تمایلی عمومی در بین تاریخ‌نگاران باستان وجود داشته که نقطه نظر یونان را در مورد زنان دربار ایران بی‌چون و چرا بپذیرند. این مسئله بازگوکننده ترجیح گسترده تاریخ یونان در تضاد با تاریخ شاهنشاهی ایران است. این تضاد هنگامی واضح‌تر می‌شود که تاریخ‌نگاران باستان، تاریخ دوره اقتدار یونان را به دنبال فتح امپراطوری ایران توسط اسکندر (کبیر) مورد بررسی قرار می‌دهند. با آغاز از این فرض که منابع یونان بایستی مورد اعتماد قرار گیرند، داوری پژوهشگران جدید بسیار زیاد یادآور تاریخ‌نویسان باستان است جز اینکه با گذشت زمان دامنه پیشداوری گسترده‌تر شده تا جایی که مقایسه بین فرهنگ‌های ایران و یونان به همانگونه دیده می‌شود که فرهنگ‌های جهان غرب و خاور نزدیک.

بررسی جدید وضعیت زنان دربار ایران باستان به حدود اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد که با کشف متون بابلی جدید از اسناد موراشو (Murasu) آغاز شد که فعالیت‌های اقتصادی ملکه‌های ایرانی را در بابل ثبت کرده است. در سال ۱۹۰۴ برونو میسنر (Bruno Meissner) دریافت که نام پورساتو (Purusat) که در متون سنگ‌نوشته از موراشو بدست آمده است، می‌تواند نام همسر داریوش دوم باشد که در منابع یونانی از آن به عنوان پاری ساتیس (Parysatis) یاد می‌شود. متون موراشو بازگوکننده اینست که وی هوفستات (Hofstaat) خویش را که شامل قاضیان و خدمتگزاران اشرافی می‌شد تحت اراده خویش داشت. بدنبال این مدرک چیز دیگری نمی‌آید.

میسنر هیچ جمع‌بندی از جایگاه یک همسر درباری در دوره هخامنشی ارائه نمی‌دهد و مشاهداتش وی یا پژوهشگران هم عصرش را در آن موضوع به بررسی تصویر پاری ساتیس که صرفاً توسط مدارکی از منابع یونان ترسیم شده بود نمی‌کشانند. مدارک یونانی و بابلی در اذهان

## درک ما از زنان دربار هخامنشی به‌طور عمده از اطلاعاتی به دست می‌آید که هرودوت و تاریخ‌نویسان بعدی یونان ارائه نموده‌اند و بخش عمده‌ای محدوده نظر اجمالی پراکنده اعمالی می‌شود که به زنان شاخصی نسبت داده می‌شود که متعلق به خاندان سلطنتی ایران بوده‌اند

### بررسی جدید وضعیت زنان دربار ایران باستان به حدود اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد که با کشف متون بابلی جدید از اسناد موراشو (Murasu) آغاز شد که فعالیت‌های اقتصادی ملکه‌های ایرانی را در بابل ثبت کرده است

### در بررسی مدارک یونانی پیرامون زن ایرانی سه عامل بایستی همیشه مد نظر قرار گیرد: ۱- نوع داستان‌هایی که برگزیده شده‌اند، ۲- عقیده یونان از آنچه که رفتار قابل قبول برای زنان بود و نقش ایشان در جامعه و ۳- نقش ادبی تشریح زنان دربار ایران در تاریخ‌نگاری یونان

تاریخ‌دانان منفک از یکدیگر باقی ماندند. در اینجا نویسنده به ذکر شواهدی از مدعیان خویش می‌پردازد که در آثار تاریخ‌نگارانی چون میسنر، میلو، تودورنولده، ولز، آر. اشمیت، کورنمان، الم استند، برن، کوک، فرای و وت (Vogt) آمده است که تلاش داشته‌اند به نقش زنان درباری ایران باستان بپردازند. آنگاه ادامه می‌دهد:

برای تدارک مبنایی جهت بحث در مورد زنان ایرانی لازم بود نظری آزاد به تاریخ امپراطوری هخامنشی افکند. بررسی مجدد منابع یونانی و نظری انتقادی تر و دقیق‌تر به فرهنگ و جامعه یونان برای درک مرحله‌ای که نگرش یونان را از دربار ایران بازداشت و به انحراف‌کشاند اساسی بود. در بین کسانی که به چنین نقادی دست یازیدند می‌توان از سی. جی. استار، دی. ام. لویس، اچ. سانس، سی. ویرونبرگ، ج. دیزه هوفر، پی. بریانت و ا. کورت نام برد. آنگاه نویسنده در این زمینه هم به ذکر شواهدی از آثار این نویسندگان می‌پردازد و نکات مثبتی که نقادانشان از دوران باستان ایران داشته است را به طور خلاصه ارائه

می‌دهد. سپس می‌آورد:

با انتشار هزاران متن از تخت جمشید، آر. تی. هالاک (R.T. Hallock) زمینه جدیدی را برای بحث در مورد ایران دوره هخامنشی گشود... (نویسنده به ذکر تعداد اسنادی می‌پردازد که در نتیجه خاکبرداری به دست آمده توسط هالاک منتشر شده است.)

قبل از خاکبرداری در سال‌های ۴-۱۹۳۳ مدارک اولیه از دوره هخامنشی تنها محدود به آثار بابلی و مصری می‌شد. ما امروزه مدیون مطالعات هالاک هستیم که می‌توانیم سنگ‌نوشته‌ها را بخوانیم و تلاش برای درک پیچیدگی سیاسی و زندگی اجتماعی دربار شاهنشاهی داشته باشیم. اینها مدارک دست اولی نه تنها از اعضاء خاندان سلطنتی بلکه زنان و مردان کارگری که در تخت جمشید کار می‌کرده‌اند، به مامی‌دهند. [این اسناد] ریزی‌بینی در زندگی اجتماعی و اقتصادی دربار ایران را برای ما ممکن می‌سازد.

در اینجا نویسنده به ذکر اسامی و آثاری می‌پردازد که با استناد به مدارک کشف شده به بررسی ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی دوره هخامنشی می‌پردازند و می‌افزاید: تکیه بر متون سنگ‌نوشته فرصت‌های بی‌شمار دیگری را برای پژوهشگران می‌گشاید تا درک ما را از تاریخ ایران افزون سازند.

هدف این کتاب بررسی جزئی و قابل درک وضع زنان در ایران دوره هخامنشی است که برگرفته از ترکیب مشترک مدارک یونان و ایران است. مسلماً چنین بررسی‌ای با نظر به نگرش‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیلی که برای دو گروه منابع مورد نیاز است، دشواری‌های خاص خویش را خواهد داشت.

دشواری‌ها، از جمله جدا کردن زنان از مجموعه مدارک، زبان متون سنگ‌نوشته‌ای، تحقیق در مورد منابع و بالاخره تلفیق منابع ادبی یونان و آرشو بدست‌آمده از خاور نزدیک، مطالبی هستند که نویسنده به آنها اشاره دارد. فصول این کتاب عبارتند از:

- ۱- مقدمه، که چکیده‌ای از آن در بالا آمد.
- ۲- القاب زنان درباری. شامل: مقدمه، استفاده از باسیلیا (basileia) در منابع یونانی، مادر شاه، همسر شاه، دختر شاه، همسران موقت دربار.
- ۳- انتلاف‌های ازدواجی درباری. شامل: مقدمه، شاهان اولیه ایران، داریوش اول، شاهان هخامنشی پس از داریوش اول، دختران درباری و اصالت خانوادگی.
- ۴- زنان درباری و دربار هخامنشیان. شامل: مقدمه، حضور در مجامع عمومی، جشنها، آداب و رسوم مرگ و به خاکسپاری، قدرت و نفوذ سیاسی، جمع‌بندی.
- ۵- زنان و اقتصاد ایران [دوره] هخامنشی. شامل: زنان درباری، مدارک بیشتر برای زنان طبقه برتر، زنان غیر درباری. خلاصه.
- ۶- جمع‌بندی.